

روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان (۱۳۷۰-۱۴۰۰)

گارینه کشیشیان سیرکی^{*۱}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۵

چکیده

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان دو همسایه دیرینه با اشتراکات و پیوندهای تاریخی، قومی، فرهنگی، مذهبی، و آداب و رسوم مشترک همسایگی ولی با دو ایدئولوژی متفاوت در کنار هم هستند. جمهوری آذربایجان با داشتن منابع غنی نفت و گاز و اشتراکات یاد شده؛ برای ایران بسیار حائز اهمیت است. البته رویکرد آشکارا ضد دینی جمهوری آذربایجان پس از استقلال از اتحاد جماهیر شوروی سابق و بخصوص در دوران علی اف ها، منزوی کردن هویت اسلامی شیعی مردم این کشور، حرکت به سمت سکولاریسم سیاسی و فرهنگی از سوی دولت، تأکید بر ایدئولوژی پان آذری مبتنی بر قومیت ترکی آذری، روند رو به رشد روابط باکو با غرب و نیز با رژیم اسرائیل، که فقط به عرصه های فرهنگی محدود نبوده و در عرصه های اقتصادی، سیاسی و امنیتی نیز دولت باکو، گرایش هم پیمانی استراتژیک با محور غرب یعنی ایالات متحده آمریکا، ناتو و رژیم صهیونیستی دارد؛ باعث سردتر شدن روابط فی مابین شده است. در این مقاله با استفاده از نظریه واقع گرایی تدافعی و به روش توصیفی-تحلیلی، سیاست خارجی ایران و عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. تا به این پرسش پاسخ داده شود که چه عوامل مهمی در روابط دو کشور تأثیرگذار بوده است؟ دستاورد این پژوهش نشان می دهد که با وجود تیرگی روابط ولی برخی همکاری ها و تفاهمات مانند موضع مثبت جمهوری آذربایجان نسبت به برنامه هسته ای ایران و تنها نگذاشتن ایران در دوره تحریم های جامعه بین المللی علیه ایران، می تواند چشم انداز مثبتی از روابط دو کشور را رقم بزند

واژگان کلیدی: ایدئولوژی، عمل گرایی، سیاست خارجی، ایران، روحانی

۲۹۹



۱. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
* نویسنده مسئول: g.keshishyan71@gmail.com

جمهوری آذربایجان، بعنوان یکی از کشورهای منطقه قفقاز جنوبی است که توانست استقلال خود را پس از فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰ به دست آورد، و به لحاظ داشتن منابع انرژی فراوان به خصوص نفت و گاز از یک سو و پیوندهای تاریخی، قومی، فرهنگی، مذهبی و همسایگی از اهمیت ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. اما دولت جمهوری آذربایجان، از زمان استقلال و آغاز حکومت علی اف‌ها، یک رویکرد واضح ضد دینی داشته و از هیچ کوششی برای منزوی کردن هویت اسلامی - شیعی مردم جمهوری آذربایجان و حرکت به سمت سکولاریسم سیاسی و فرهنگی دریغ نورزیده است و همواره بر آن بوده تا با غلبه دادن ایدئولوژی پان‌آذری مبتنی بر قومیت ترکی - آذری به عنوان هویت واحد ملت آذربایجان، ضمن ایجاد وحدت و همبستگی ملی، نگاهی به ایجاد آذربایجان بزرگ شامل مناطق آذری زبان ایران نیز داشته باشد و از این رو از روابط فرهنگی و مناسبات دینی خود با جهان اسلام و جمهوری اسلامی ایران کاسته و آن را در حد بسیار پایین نگه داشته است. در مقابل، پیوند فرهنگی خود را با غرب تقویت کرده که از جمله مصادیق آن برگزاری مراسم یورو ویژن و هفته فرهنگی اسرائیل (رژیم صهیونیستی) در جمهوری آذربایجان است.

این مناسبات به حوزه فرهنگی محدود نمانده و همواره در عرصه اقتصادی، سیاسی و امنیتی نیز دولت باکو، گرایش هم پیمانی استراتژیک با محور غرب و به عبارت روشن‌تر ایالات متحده آمریکا، ناتو و رژیم صهیونیستی دارد. روابط باکو و تهران در سال‌های اخیر سردتر شده و از طرف دیگر روابط باکو با غرب روند رو به رشد داشته است. این روند، هشدار جدی برای جمهوری اسلامی ایران و تمام سازمان‌ها و مسئولان کلان نظام جمهوری اسلامی ایران است تا با درک روند حرکت جمهوری آذربایجان، تمام گزینه‌های محتمل را پیش بینی و در صورت رخداد هر سناریو، با دستی باز بتوانند واکنش مناسبی را از میان گزینه‌های موجود انتخاب و در عرصه عمل اجرا کنند تا با این امر، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و مصالح اسلامی آن در عالی‌ترین وجه حفظ شود. حال با توجه به اهداف جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان که

با موانع و مشکلاتی رو به رو بوده است در پی آن خواهیم بود که با استفاده از نظریه واقع‌گرایی تدافعی و به روش توصیفی-تحلیلی، سیاست خارجی ایران و عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در همین راستا سؤال اصلی تحقیق به این شکل مطرح می‌شود که: چه عوامل مهمی در روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان تأثیرگذار بوده است؟ در پاسخ به سؤال اصلی، فرضیه تحقیق اینگونه مطرح می‌گردد که با در نظر گرفتن مؤلفه‌های استراتژیک، ژئو اکونومیک، ژئوپلیتیک، نفوذ اسرائیل و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا در جمهوری آذربایجان، تأثیرات منفی از قبیل تأثیر بر روابط و همکاری‌های دو جانبه با جمهوری اسلامی ایران، بر اقتصاد و همچنین بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران گذاشته است. حال با این فرضیه به سراغ بررسی پیشینه تحقیق خواهیم رفت.

۱. پیشینه تحقیق

بهرام امیراحمدیان (۱۳۸۴) در کتاب خود با عنوان «روابط ایران و جمهوری آذربایجان: نگاه آذری‌ها به ایران»، در بخش‌های مختلف به تاریخ روابط ایران و جمهوری آذربایجان، بررسی نام جعلی آذربایجان، تاریخ آذربایجان، موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان و بررسی کتاب‌های درس تاریخ در جمهوری آذربایجان پرداخته است. با این حال، به خاطر نگارش این کتاب در حدود ۱۸ سال پیش و ناکافی بودن موارد مورد توجه نگارنده به عوامل مهم و تأثیرگذار بر روابط ایران و جمهوری آذربایجان، خواننده بطور وافر به درک و فهم عوامل مؤثر بر روابط ایران و جمهوری آذربایجان نمی‌گردد. همچنین مقالات مختلف روزنامه‌ای و تحلیل‌هایی که در سایت‌های مختلف در مورد روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان نوشته شده از عمق لازم پژوهشی برخوردار نبوده و بسیار گذرا به این موضوع اشاراتی شده است. البته چند مقاله جدی در این رابطه وجود دارد که کدخدا زاده و عزیزی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر سیاست‌های پان‌ترکیستی در روابط جمهوری آذربایجان با ایران»؛ همچنین افصلی، سیدی‌اصل و رسولی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین روابط ایران با جمهوری آذربایجان با رویکرد سازه‌انگاری»؛

عباسی و موسوی، (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی» و نیز جوادی ارجمند، رضازاده و حضرت پور (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی علت‌های سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، به بررسی برخی ابعاد این موضوع پرداخته‌اند که با توجه به فاصله زمانی و موارد اشاره شده، از این مقاله‌ها بهره گرفته و از منظر نظریه واقع‌گرایی تدافعی به این مهم پرداخته خواهد شد.

۲. چارچوب نظری

واقع‌گرایان تدافعی به رابطه میان هرج و مرج و الزامات نظام بین‌الملل از یک سو و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر توجه دارند. فرض آن‌ها بر این است؛ که امنیت چنان است که هرج و مرج بین‌المللی معمولاً نایاب نیست و فراوان است و در نتیجه دولت‌هایی که آن را در می‌یابند، رفتاری تهاجمی نخواهند داشت. آن‌ها تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه‌شان وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. این واکنش نیز بیشتر در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است. (Amir Ahmadian, 2016, pp. 3-4). بنابراین کشورهای علیرغم مسائل و اختلافاتی که با یکدیگر دارند درصدد استفاده از زور و نیروی نظامی علیه یکدیگر نیستند و سعی دارند از طریق مسالمت‌آمیز اختلافات خود را حل و فصل کنند. از این رو بر اساس این نظریه ایجاد همکاری و روابط دوستانه بین کشورهای تهدیدگر نیز دور از ذهن نیست و البته این امر به تغییرات داخلی و منطقه‌ای و جهانی بین کشورها نیز مربوط است.

مفروضه‌های چهارگانه واقع‌گرایی تدافعی

۱. معضل امنیت؛ به نظر واقع‌گرایی تدافعی توسعه طلبی همیشه به امنیت بیشتر منجر نمی‌شود.
۲. برداشت‌های ذهنی رهبران؛ تأثیر ساختار ظریف قدرت و توانمندی‌های مادی بر رفتار دولت از طریق تصورات یا برداشت‌های ذهنی رهبران ملی است.
۳. عرصه سیاست داخلی؛ به نظر واقع‌گرایان تدافعی استقلال دولت در برابر جامعه مدنی، ائتلاف‌های سیاسی، عرصه سیاست سازمانی و روابط میان‌بخش-

های لشگری و کشوری جملگی توانایی رهبران را در بسیج منابع تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۴. عرصه تحلیل سیستمی؛ این سطح تحلیل به پرسش‌هایی درباره قدرت نسبی دولت‌ها پاسخ می‌دهد.

نظام بین الملل به عنوان مجموعه‌ای از دولت‌ها تعریف می‌شود که توانمندی-های نسبی دولت‌ها از قبیل قدرت و ثروتشان که بر امکان‌ها و احتمالات اقدام و موفقیت آن‌ها در سطح جهانی تأثیر می‌گذارد، برهم کنش‌های آن‌ها را هدایت می‌کنند. زمانی که اقتصاد یک کشور ثروت بیشتری به بار می‌آورد یا زمانی که توانایی فن‌آوری یا نظامی به دست می‌آورد، این ویژگی‌های نسبی چه بسا در طول زمان تغییر بکنند. عکس آن نیز ممکن است درست باشد، Moshirzadeh (2013, p. 134). در ادامه، ابتدا به سطح روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری‌های دو کشور و سپس به عوامل تأثیرگذار بر روابط دو کشور خواهیم پرداخت. عواملی که اکثراً موجب بروز تنش و اختلافاتی بین دو کشور شده است، اما مطابق نظریه واقع‌گرایی تدافعی دو کشور تلاش کردند از راه‌های غیرخشونت‌آمیز با آن‌ها برخورد نمایند.

۳. روابط ایران و آذربایجان در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری‌های ایران

پس از استقلال جمهوری آذربایجان برقراری روابط رسمی میان این کشور و ایران در ژانویه ۱۹۹۲ و در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی آغاز شد. نخستین محور همکاری سیاسی ایران با جمهوری آذربایجان در این دوره تلاش تهران برای ورود باکو به سازمان‌های منطقه‌ای از جمله اکو و سازمان همکاری‌های اسلامی بود. حتی در سال ۱۹۹۲ جمهوری اسلامی ایران در دستورکاری، همه سفارتخانه‌های خود در جهان را ملزم به ارائه خدمات به دیپلمات‌های جمهوری آذربایجان کرد (Amir Ahmadian, 2005, p. 163).

در این دوره بیش از ۹۰ سند همکاری در زمینه‌های گوناگون به ویژه اعلامیه گروه‌های دوستی میان دولت‌ها و مجالس دو کشور در جریان سفر حیدرعلی‌اف در سال ۱۹۹۴ بین رؤسای جمهور دو کشور به امضاء رسید (Abbasi & Mousavi,)

(5-4, pp. 2013). همچنین بر اساس آمار موجود میزان تبادلات تجاری و بازرگانی بین دو کشور در این دوره بسیار قابل توجه بوده که نشان از تلاش ایران در این دوره برای ایجاد روابط نزدیک و دوستانه با جمهوری آذربایجان دارد.

روابط ایران و جمهوری آذربایجان در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی نسبت به دوره قبل با افت محسوسی روبه رو شد که می‌توان دلایل بسیاری از جمله تشدید تلاش آذربایجان برای ایجاد روابط با اسرائیل، مسئله‌ی دریای خزر، نارضایتی آذربایجان از تحولات مذهبی ایران و ... را ذکر کرد. با این حال در آگوست ۲۰۰۴ رئیس‌جمهور ایران، محمد خاتمی با الهام علی‌اف دیدار کرد و این اولین دیدار رئیس‌جمهوری این کشور از ایران بعد از استقلال آذربایجان بود. از این زمان امیدها برای بهبود روابط دو کشور افزایش یافت، اما در عمل نتیجه ملموسی به بار نداشت (Atai, 2009, p.7) همچنین میزان روابط تجاری و بازرگانی بین دو کشور سیر نزولی نسبت به دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی به خود گرفت. با این وجود دو کشور در دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی به صورت محدود روابط فرهنگی بین خود بوجود آوردند. به طور مثال یک گروه دانشجویی ۲۲ نفره برای مطالعه در نوامبر ۱۹۹۶ به ایران فرستاده شد. (Koolaei, 2010, p.12).

در سال ۲۰۰۶ دیدارهای رسمی و توافقات بین ایران و آذربایجان افزایش یافت. الهام علی‌اف با محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور سابق ایران در تهران دیدار کرد، چندین وزیر ایرانی نیز همچنین از باکو دیدار کردند و شماری پروتکل برای همکاری دوجانبه در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مبادله انرژی، تجارت و ترانزیت صورت گرفت. دو طرف حتی توافق نامه‌ای در مورد ممنوعیت اقدام برای حمله به سرزمین یکدیگر امضاء کردند. (Atai, 2009, p.7) با این حال روابط ایران و آذربایجان در این دوره مانند دوره قبل چندان نزدیک و دوستانه نبود. به عنوان مثال در اوایل سال ۲۰۱۲ اقدام برای حمله‌ی تروریستی

به سفارتخانه اسرائیل در باکو و علیه چندین نماینده جامعه‌ی یهودی صورت گرفت. (Kraus & Suleimanov, 2016, p. 11)

در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی توجه ویژه‌ای به ایجاد روابط حسنه با جمهوری آذربایجان صورت گرفت و ایجاد روابط با این کشور برای حسن روحانی از اهمیت بسزایی برخوردار بود. این توجه حتی از سال‌ها قبل از ریاست جمهوری حسن روحانی وجود داشت. به عنوان مثال حسن روحانی زمانی که دبیر امنیت ملی ایران بود اعلام کرد که منطقه‌ی قفقاز به طور کلی و جمهوری آذربایجان به طور ویژه متعلق به حوزه‌ی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند و اهمیت ویژه‌ای برای منافع ایران دارند. (Najafov, 2008, p.11)

۴. روابط آذربایجان و ایران در دوره‌های ریاست جمهوری‌های آذربایجان

روابط ایران و جمهوری آذربایجان در دوران ریاست جمهوری حیدر علی‌اف شاهد فراز و فرودهای بسیاری بوده و در سال‌هایی روابط دو کشور بسیار خوب، در دوره‌هایی پرتنش و با سوءتفاهم‌های مختلفی رو به رو بوده است. با این حال با توجه به دوران ریاست جمهوری ابوالفضل ایلچی‌بیگ و دشمنی که او با حکومت ایران داشت می‌توان حیدر علی‌اف را رئیس جمهوری سازش‌گر و صلح دوست نسبت به روابط با ایران دانست. به عنوان مثال اولین توافق نامه‌ی انرژی بین ایران و آذربایجان در سال ۱۹۹۲ در طول ریاست جمهوری حیدر علی‌اف در دیدار از ایران با هدف حل و فصل مشکلات انرژی جمهوری خودمختار نخجوان امضاء شد (Kalehsar & Shakoori, 2016, p. 8) در حالیکه ابوالفضل ایلچی بیگ اعلام کرد که او ممکن است به دلیل تحقق رویای آذربایجان متحد تمامیت سرزمینی ایران را شناسایی نکند؛ اما حیدر علی‌اف رئیس جمهور بعدی جمهوری آذربایجان اعلام کرد که ایده‌ی ادغام دو طرف رودخانه ارس و ایجاد جمهوری آذربایجان متحد جعلی و ساختگی است که این اقدامات و اظهارات موجب جلب اعتماد و رضایت جمهوری اسلامی ایران شد. این دوره مانند دوران ریاست جمهوری پدرش، دوران پر فراز و نشیبی بوده و مسائل و موضوعات مختلفی از جمله موضوع تعیین حدود دریای خزر، اتهامات جاسوسی

دو کشور به یکدیگر، روابط نزدیک آذربایجان با اسرائیل و آمریکا و ... همچنین روابط دو کشور را در مقطعی دچار سردی و بی‌اعتمادی کرد. با این حال الهام علی‌اف تلاش کرد باب روابط دوستانه با ایران را فراهم کند. وی با سخنرانی و اظهار نظرهای مختلف تلاش کرد تا حدودی اعتماد مقامات جمهوری اسلامی ایران را به دست آورد. به عنوان مثال الهام علی‌اف در سال ۲۰۱۰ در مورد پرونده انرژی هسته‌ای ایران در سازمان ملل اعلام کرد که راه حل شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران می‌تواند خطرناک باشد (Koolaei, 2010, p. 20). همچنین الهام علی‌اف با محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور سابق ایران در تهران دیدار کرد، چندین وزیر ایرانی نیز همچنین از باکو دیدار کردند و شماری پروتکل برای همکاری دوجانبه در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مبادله انرژی، تجارت و ترانزیت با یکدیگر امضا کردند. دو طرف حتی توافق نامه‌ای را در مورد ممنوعیت اقدام برای حمله به سرزمین یکدیگر امضاء کردند (Atai, 2009, p.7) آذربایجان برای ایجاد روابط سیاسی با جمهوری اسلامی ایران بلافاصله بعد از به دست آوردن استقلالش در سال ۱۹۹۱ به طور رسمی اعلام کرد که این کشور ادعایی بر هیچ سرزمینی خارج از مرزهای داخلی‌اش شامل سرزمین‌هایی که آذری‌های ایران در آن زندگی می‌کنند، ندارد و به همین دلیل شرایط برای برقراری روابط با جمهوری اسلامی ایران محیا شد. بنابراین بلافاصله بعد از اعلامیه پارلمان آذربایجان برای اعاده‌ی استقلال آذربایجان در ۱۸ اکتبر ۱۹۹۱ و در اوایل دسامبر ۱۹۹۱، وزیر امور خارجه ایران علی‌اکبر ولایتی از باکو دیدار کرد. او تعدادی توافقنامه در مورد همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی امضاء کرد و قول داد که از عضویت آذربایجان در سازمان همکاری اسلامی حمایت کند. (Gharehbey & Rabiee)

۵. عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و آذربایجان از سال ۱۹۹۲ تا پایان دولت

روحانی

اگرچه جمهوری آذربایجان دارای تاریخ و مذهب مشترک و مرزهای آبی و خاکی مشترک و نیز یک زبان مشترک با اقلیت بزرگی از مردم ایران است و در گذشته

بخشی از ایران بوده، اما روابط ایران و آذربایجان بیش از دو دهه توسعه چندانی نداشته و در برخی موارد ما شاهد بحران‌های جدی بین دو طرف بوده‌ایم، از این رو در این بخش به برخی از موضوعاتی که بر روابط سیاسی ایران و آذربایجان تأثیرگذار بوده‌اند، خواهیم پرداخت.

۱) روابط نزدیک ایران و جمهوری ارمنستان

بر اساس رویکرد واقع‌گرایی تدافعی کشورها از ترس کشور رقیب یا دشمنانشان به ایجاد موازنه تهدید علیه آن کشور دست می‌زنند. از این رو کشور ارمنستان که در طول دهه ۱۹۹۰ حاکمیت ملی و سرزمینی‌اش از طرف جمهوری آذربایجان و همچنین ترکیه در خطر بود تلاش کرد که با نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران موازنه‌ای در رقابت با جمهوری آذربایجان ایجاد کند. بنابراین یکی از عواملی که همیشه تأثیرات منفی بر روابط سیاسی ایران و آذربایجان داشته روابط خوب و حسنه ایران با ارمنستان یعنی بزرگترین دشمن آذربایجان بوده است. در واقع جمهوری اسلامی ایران شروع به افزایش روابطش با ارمنستان کرد. بعد از اینکه ترکیه و آذربایجان تحریم‌های تجاری را در سال ۱۹۹۴ علیه ذخایر انرژی و مواد غذایی ارمنستان اعمال کردند، روابط با ایران شرایط بهتری را برای ارمنستان رقم زد. از طرف دیگر شایعاتی در اوایل دهه ۱۹۹۰ وجود داشت که جمهوری آذربایجان اعتقاد داشت ایرانی‌ها ارتش سری ارمنستان که به طور مستقیم در حکومت قره‌باغ اعمال نفوذ نموده و علیه نیروهای نظامی آذربایجان نبرد می‌کرد، را تعلیم می‌داد.

حکومت آذربایجان به طور گسترده‌ای اعتقاد داشتند که ارمنستان نمی‌توانست بدون کمک‌ها و روابط اقتصادی با ایران سختی‌ها و بحران‌های سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ را تحمل کند. به عنوان مثال در آوریل ۱۹۹۲ در یکی از حساس‌ترین زمان‌های درگیری آذربایجان و ارمنستان جمهوری اسلامی ایران موافقت کرد گاز طبیعی و سوخت به ارمنستان عرضه کند و پیوندهای حمل و نقلی‌اش را با ارمنستان بهبود بخشید. از این رو مقامات آذربایجان معتقد بودند که بدون

دریچه ایران، ارمنستان مطمئناً در جنگ با آن‌ها نمی‌توانست موجودیت خود را حفظ کند. (Shaffer, 2003, p. 10)

۶. اهمیت جایگاه جمهوری ارمنستان برای ایران

۱- اهمیت ژئوپلیتیک به دلیل آنکه ارمنستان، ایران را به دریای سیاه، قفقاز شمالی و اروپا متصل می‌کند، از طرف دیگر ایران نیز خود به ارمنستان برای مسیرهای ارتباطی سود می‌رساند.

۲- اهمیت فرهنگی ارمنستان به دلیل حضور اقلیت ارامنه در ایران که بزرگترین اقلیت دینی را در ایران تشکیل می‌دهند.

۳- ارمنستان همچنین از لحاظ سیاسی برای ایران مهم است به دلیل آنکه ایران می‌تواند از لابی‌های اقتصادی و سیاسی قدرتمند ارامنه سود ببرد.

۴- اهمیت اقتصادی برای ورود به بازارهای ارمنستان به خصوص در بخش انرژی (Koolaei & Goodarzi, 2015, p. 11).

۷. اهمیت جایگاه جمهوری اسلامی ایران برای ارمنستان

۱ - روشی است برای خارج شدن از تحریم‌های اعمال شده به وسیله آذربایجان و ترکیه که از زمان درگیری قره‌باغ در سال ۱۹۹۲ آغاز شده است.

۲- اتحاد با ایران از وابستگی کامل به مسکو جلوگیری می‌کند.

۳- این اتحاد موجب قابل دسترس شدن ذخایر هیدروکربن ایران برای ارمنستان شده و به ذخایر گاز ارمنستان تنوع می‌بخشد. (Racimora & Moniquet, 2013, p. 14)

۴ - روابط اقتصادی ایران با ارمنستان توانایی ابروان را برای احیای اقتصادش علیرغم انزوایی که گریبانگیرش شده را افزایش داده است. (Sadri, 2012, p.10)

۵ - کشورهای کوچکی مانند ارمنستان اهمیت کمی دارند و برای حل و فصل مشکلاتشان باید روابطشان را با قدرت‌های بزرگ‌تر از خود مانند ایران حفظ کنند.

(Javadi Arjmand & et al., 2012, p. 9)

۲) تعیین رژیم حقوقی دریای خزر

بر اساس نظریه واقع‌گرایی تدافعی دولت‌ها برای حل اختلافات خود کمتر به استفاده از زور فکر می‌کنند و برای حل تنش‌های میان خود تلاش دارند آن‌ها را

از طریق گفتگو و مذاکره حل و فصل کنند. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که همیشه باعث تنش و اختلاف میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان شده مسأله‌ی تعیین حقوقی دریای خزر است. رژیم حقوقی این دریا یکی از مهم‌ترین مسائل دریای خزر است که پس از فروپاشی شوروی، ظهور و بروز بیشتری پیدا کرد. باید توجه داشت که عدم توافق بر روی تعریف رژیم حقوقی دریای خزر تنها محدود به ایران و آذربایجان نیست، بلکه دیگر کشورهای (روسیه، ترکمنستان و قزاقستان) مجاور دریا با هم اختلاف دارند، هرچند به سبب ذخایر نفت و گاز مشترک در منطقه، این اختلافات بین ایران و آذربایجان جدی‌تر و آشکارتر است. مهم‌ترین عامل اختلاف بین ایران و آذربایجان به دلیل وجود منابع عظیم انرژی این دریا است، به دلیل آنکه بیش از ۹۰ درصد کل ذخایر نفت و گاز آذربایجان در سواحل و در داخل دریای خزر قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران در نامه‌ای به دبیر کل سابق سازمان ملل، کوفی عنان در سال ۱۹۹۷ به استخراج یکجانبه دریای خزر به وسیله‌ی آذربایجان اعتراض کرد، با توجه به اینکه ایران اعتقاد دارد که منابع دریای خزر متعلق به همه کشورهای همسایه دریای خزر است. حکومت جمهوری اسلامی ایران به دنبال آن است که ۲۰ درصد دریای خزر را به جای ۱۲ درصد کنترل کند. به عبارت دیگر ایران می‌خواهد این منطقه را به ۵ قسمت مساوی تقسیم کند. برجسته‌ترین اختلاف بین ایران و آذربایجان در مورد بلوک‌های هیدروکربن آراز، آلوو و شارگ ناحیه‌ای با مساحت ۱۴۰۰ کیلومتر مربع و با حدود ۷۰۰ میلیارد متر مکعب گاز است. آذربایجان این میدان را کنترل می‌کند که ایرانیان به آن البرز می‌گویند. حکومت جمهوری اسلامی ایران ادعا دارد که میدان آلوو که در ۱۲۰ کیلومتری جنوب شرقی باکو قرار دارد، بخشی از سرزمین آبی ایران است (Ahmadi 2016, p. 9 & Sardashti,

۳) ترویج قوم‌گرایی آذری

در حالیکه کشور ایران درگیر بحران اقتصادی شدید بعد از جنگ ایران و عراق بود، بیشتر آذری‌های ایران متوجه ظهور کشوری جدید با منابع غنی و ثروتمند به عنوان فرصتی برای بهبود شرایط زندگیشان شدند. در سال ۱۹۸۹

جمعیت‌های آذری که در دو طرف مرز زندگی می‌کردند، مرزهای فیزیکی بین ایران و آذربایجان (نخجوان) را از بین بردند و به سرعت به تبادل اقتصادی و تجاری با هم پرداختند و پیوندهای خانوادگی بین آن‌ها به وجود آمد. به عقیده‌ی مردم آذربایجان، ملت آذربایجان به وسیله‌ی دو امپراطوری ایران و روسیه از هم جدا شدند، آذربایجان شمالی در دست شوروی و آذربایجان جنوبی به ایران تعلق گرفت. بعد از سال ۱۹۹۱ آذربایجان شمالی توانست استقلال خود را از روسیه به دست آورد، اما آذربایجان جنوبی هنوز در دست ایران قرار دارد. اما از دیدگاه ایران اسناد تاریخی نشان می‌دهد که چیزی به نام آذربایجان شمالی و جنوبی وجود نداشته و نام «آذربایجان» از زمان سقوط شوروی به وجود آمده و نام اصلی این منطقه آران است. (Atai, 2009, p. 9)

نگرانی اصلی برای ایران در مورد الحاق آذری‌ها به آذربایجان در طول دوران ریاست جمهوری ابوالفضل ایلچی بیگ در سال ۱۹۹۲ به وجود آمد. این رئیس جمهور سابق آذربایجان اعلام کرد که او ممکن است به دلیل تحقق رویای آذربایجان متحد تمامیت سرزمینی ایران را شناسایی نکند. با این حال باید گفت بر خلاف ادعاهای مردم آذربایجان و بعضی از مقامات ناسیونالیست این کشور باید توجه داشته باشیم که آذری‌ها به عنوان آریایی ترکی در نظر گرفته می‌شوند. بسیاری از شخصیت‌های مهم تاریخ ایران مانند شاه اسماعیل صفوی، شاه عباس، نادرشاه افشار و محمد شاه قاجار اصلیتی آذری داشتند.

۴) اختلافات ایدئولوژیک

الف) یکی دیگر از موضوعاتی که تأثیر منفی بر روابط سیاسی ایران و آذربایجان گذاشته، اختلافات ایدئولوژیک و نظام سیاسی متفاوت دو کشور است. زمانی که شوروی فروپاشید، اولین جمهوری سکولار پارلمانی ترکی و مسلمان در آذربایجان تأسیس شد. در نتیجه تفاوت بین سیستم سیاسی ایران (مذهبی) و سیستم سیاسی آذربایجان (سکولار) عامل منفی در توسعه روابط دوجانبه بین دو کشور است. حکومت آذربایجان به طور مکرر ایران را برای بی ثباتی امنیتی کشورش به وسیله‌ی سازماندهی و حمایت از احزاب مخالف به

خصوص گروه‌های اسلامی به منظور نفوذ بیشتر در این کشور متهم می‌کند. به عنوان مثال نامیک آخوندو کسی که در سال ۱۹۹۶ در کمیته‌ی بین‌المللی پارلمان آذربایجان خدمت می‌کرد، حتی ادعا کرد که از نقطه نظر من جمهوری اسلامی ایران برای آذربایجان بیشتر از روسیه دشمن به حساب می‌آید که این امر نشأت گرفته از اختلافات ایدئولوژیک بین دو کشور به خصوص در سال‌های ابتدایی استقلال این کشور است (Suleimanov & Ditarych, 2007, p.8)

ب) آذربایجان تبلیغات و فعالیت‌های ایران برای شیعیان آذربایجان را تهدیدی برای حاکمیت خود به حساب می‌آورد و هرچند وقت یکبار نارضایتی خود را بروز می‌دهد. از نظر آن‌ها روزنامه صدای اسلام که در جمهوری آذربایجان چاپ می‌شود، توسط ایران حمایت می‌شود. دولت ایران افزون بر این، دو شبکه سحر و سحر ۲ را نیز دارد که به زبان انگلیسی و روسی در آذربایجان فعالیت می‌کنند. مخالفان این دو شبکه می‌گویند که این شبکه‌ها فقط برنامه‌های مذهبی پخش می‌کنند. در این شبکه‌ها پوشش و حجاب برای زنان تبلیغ می‌شود. شیوه دیگر نفوذ ایران در جمهوری آذربایجان به وسیله مدرسه‌های دینی است. در این مدارس قرآن خوانده می‌شود و همچنین ادبیات و ایدئولوژی دولت ایران تدریس می‌شود. البته در اواخر دهه ۱۹۹۰ حیدر علی‌اف فعالیت روحانیون ایرانی را در مساجد ممنوع کرد (Javadi Arjmand & et al., 2014, p. 6) ناگفته نماند که دستگیری عزاداران حسینی، پخش فیلم‌های مستهجن در ایام محرم از شبکه‌های تلویزیون دولتی باکو و افتتاح کارخانه مشروب سازی در روز عاشورا توسط الهام علی‌اف صورت گرفت. از اینرو مراجع عظام تقلید در راستای مقابله با اسلام ستیزی دولت باکو وارد عمل شدند. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۰ آیات عظام صافی گلپایگانی و سبحانی تبریزی با نگارش نامه‌هایی خطاب به الهام علی‌اف، وی را به پرهیز از تخریب مساجد و احترام به عقاید مردم شیعه جمهوری آذربایجان فراخواندند.



(۵) روابط اسرائیل با جمهوری آذربایجان

بر اساس نظریه واقع‌گرایی تدافعی، کشورها زمانی که احساس کنند تهدیدی از جانب کشور یا کشورهای علیه آن‌ها وجود دارد سعی در ایجاد موازنه تهدید علیه آن کشور یا کشورها خواهند کرد. از اینرو دو کشور آذربایجان و اسرائیل به واسطه تهدیدی که از نظر آنان ایران برای آن‌ها دارد با یکدیگر نزدیک و متحد می‌شوند. یکی از کشورهایی که در دهه‌های اخیر اسرائیل تلاش کرده در آن حضور داشته باشد تا به وسیله آن از یکطرف منافع اقتصادی خود را تأمین کند و از طرف دیگر بر جمهوری اسلامی ایران فشار آورد، جمهوری آذربایجان بوده است. حاکمیت باکو نیز از توسعه روابط با تل‌آویو حمایت می‌کند. آذربایجان سومین کشور مسلمانی بود که بعد از مصر و ترکیه روابط اقتصادی و استراتژیک دوجانبه‌ای با اسرائیل ایجاد کرد. (Abilov, 2009, p. 7). باید توجه داشت که اسرائیل منابع نفتی قابل توجهی ندارد و به طور کامل به واردات نفت وابسته است. مسیر باکو-تفلیس-جیهان برای نفت آذربایجان، همچنین سود بازرگانی محسوسی برای اسرائیل ایجاد کرده است، به خصوص از زمانی که بازار نفت خلیج فارس تحت سلطه تولیدکنندگان ضداسرائیلی به ویژه ایران قرار گرفت. (Murinson, 2008, p. 16). در سال ۱۹۹۷ حیدر علی‌اف با نخست‌وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو در باکو ملاقات کرد و دو کشور اعلام کردند که ایران تهدیدی برای دو کشور و همکاری بین دو کشور به حساب می‌آید. با ترور دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، این کشور، جمهوری آذربایجان را به همکاری با اسرائیل متهم کرد و بنابراین سفیر آذربایجان را فراخواند و مراتب نارضایتی خود را اعلام نمود. به علاوه در آوریل ۲۰۰۶ رئیس سابق شورای امنیت ملی ایران، علی لاریجانی، تهدید به حمله به خط لوله نفتی جیهان-تفلیس - باکو کرد. اگر آذربایجان به همکاری‌هایش با اسرائیل در زمینه امور نظامی ادامه دهد، ایران نیز عکس‌العمل نشان خواهد داد. (Goksel, 2015, p. 13). اسرائیل به دلیل دشمنی که با ایران دارد به ایجاد روابط و نزدیکی با جمهوری آذربایجان به دلیل هم‌مرزی با ایران پرداخته و این موضوع را ضروری می‌داند.

و از طرف دیگر جمهوری آذربایجان برای ایجاد موازنه با ارمنستان که روابط نزدیکی با ایران دارد می‌تواند از اسرائیل استفاده کند. از طرف دیگر جمهوری آذربایجان نشان داده است که بر اساس راهبرد عملگرایی و ایجاد موازنه استراتژیک در روابط خارجی همزمان با گسترش روابط با ایران، سیاست تعامل و توسعه روابط با تل‌آویو را نیز در موضوعات همکاری‌های انرژی و اقتصادی در پیش گرفته است. اما اینکه آیا باکو خواهد توانست بدون آسیب زدن به روابط با تهران، سیاست نزدیکی بیشتر به تل‌آویو را ادامه دهد موضوعی است که با توجه به حساسیت‌های شدید ایران از باز شدن جای پای اسرائیل به جوار مرزهای خود، امری دشوار به نظر می‌رسد. از سوی دیگر موضوع دیگری که جمهوری اسلامی ایران از آن نگران است مسأله تلاش اسرائیل برای لبنانیزه کردن جمهوری آذربایجان است. در واقع جمهوری اسلامی ایران اعتقاد دارد که تل‌آویو می‌خواهد آذربایجان را با دکترین محیطی جدید لبنانیزه کند. این بدان معنی است که تل‌آویو قصد دارد منطقه پیرامونی تازه‌ای درست کند و ایران را از طریق حضور در منطقه کردستان عراق و جمهوری آذربایجان محاصره کند (Iranian Diplomacy, March 6, 2017).

۶) حضور و مداخلات آمریکا در سیاست‌های جمهوری آذربایجان

یکی از مناطقی که همیشه آمریکا به آن به عنوان منطقه‌ای که می‌توان ایران را تحت فشار قرار داده و مانع حضور ایران در این منطقه شود، منطقه‌ی قفقاز جنوبی بوده است. از این رو جمهوری اسلامی ایران در چارچوب استراتژی امنیتی متکی به خود همیشه از مداخله آمریکا در قفقاز به عنوان یکی از فاکتورها و منابع اصلی ناامنی‌اش مخالفت می‌کند، به خصوص ناامنی‌هایی که از طرف آمریکا احساس می‌کند. زیرا که سیاست امنیتی و خارجی آمریکا در قفقاز جنوبی مبتنی بر محرومیت، انزوا و کنترل جمهوری اسلامی ایران به منظور ممانعت از حضورش در این منطقه است. از این رو تلاش دارد که از حضور بیشتر و فعال‌تر ایالات متحده آمریکا در منطقه جلوگیری کند. از سال ۱۹۹۴ آذربایجان، سرزمین ایران را به عنوان یکی از مسیرهای صادرات نفت خویش

ملاحظه کرد. مسیر ایران می‌توانست مزیت مهمی را ارائه کند که جایگزین دیگری نداشت. هزینه‌ی ساخت آن پایین بود، موقعیت سیاسی باثباتی در کشور حکمفرما بود، نیازی به سرمایه‌گذاری در زیربناسازی نفت به صورت ناچیز داشت و پایانه نفتی کاملی بر روی خلیج فارس داشت. این‌ها از جمله موضوعاتی بودند که تا بهار ۱۹۹۵ مورد بحث قرار گرفتند. اما از این زمان واشینگتن، باکو را مجبور به کنسل کردن قرارداد با شرکت نفت ایران در کنسرسیوم نفت بین‌المللی کرد (Cerny, Suleimanov, 2012: p. 12) در واقع مسیرهای باکو-تفلیس-جیهان و باکو-ایروان-آنکارا که برخلاف مسیرهای پیشنهادی ایران برای حمل و نقل نفت در دریای کاسپین و آذربایجان است، از سوی آمریکا مورد حمایت قرار گرفته‌اند. از مسائل دیگری که باعث تیرگی روابط ایران و آذربایجان در سال‌های اخیر شده، حضور سربازان آمریکایی و سپر دفاعی آمریکا در این کشور بوده است. در سال ۲۰۰۳ اخباری منتشر شد مبنی بر اینکه سربازان آمریکایی در خاک آذربایجان استقرار پیدا کردند. (Sharashendize, 2011, p. 3) بطور دقیق‌تر در دیداری با رئیس‌جمهور آذربایجان الهام علی‌اف، دونالد رامسفلد وزیر سابق دفاع آمریکا در مورد تأسیس پایگاه هوایی در شبه جزیره آب شوران (در جمهوری آذربایجان) ابراز علاقه کرد. (Khalifa Zadeh, 2014, p. 8) این موضوع تا سال‌ها مورد بحث ایران و آذربایجان بود تا اینکه واشینگتن اعلام کرد که هیچ منظوری از این اقدام نداشته است یا شاید تفکرش را تغییر داد. (البته ایران هم در پاسخ به این اقدامات از ابزارهایی مانند نشان دادن مانورهای نظامی در نزدیکی فضای هوایی آذربایجان استفاده کرد. (Sharashendize, 2011, p. 3) به دنبال این گزارش‌ها و شایعات وزیر خارجه آذربایجان، سفر آبیو هر نوع توافقی بین آذربایجان و وزارت دفاع آمریکا برای استفاده از سرزمین آذربایجان برای اقدامات نظامی علیه ایران رد کرد. حیدر علی‌اف نیز تأکید کرد که او اجازه‌ی استفاده آمریکا از سرزمینش را علیه ایران نمی‌دهد. (Koolaei & Goodarzi, 2010, p. 16) با این حال از سال ۲۰۱۱ روابط ایالات متحده آمریکا با جمهوری آذربایجان به طور مداوم در حال بدتر

شدن است. نشانه‌های موجود دال بر تخریب روابط دو کشور است. به عنوان مثال در سال‌های اخیر مقامات ارشد و همچنین حامیان دولت اوپاما، جمهوری آذربایجان را به دلیل مخالفت و سنگ‌اندازی در فرآیند عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان سرزنش کردند. همچنین در فوریه ۲۰۱۵، مشاور ارشد رئیس جمهور آذربایجان در مصاحبه‌ای اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا از جدایی طلبان ناگورنو قره باغ به وسیله‌ی اعطای کمک‌های مستقیم مالی حمایت می‌کند. او همچنین اعلام کرد که روسیه و جمهوری آذربایجان در حال توافق بر روی پروژه‌های انرژی مکمل یکدیگر می‌باشند و به طور صریحی تهدید کرد که جمهوری آذربایجان به غرب وابسته نمی‌شود. در نتیجه فرصت مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم شد که روابطش را با جمهوری آذربایجان گسترش دهد که نشانه آن را در سال‌های اخیر و سفرهای متوالی مقامات دو کشور به سرزمین‌های همدیگر می‌بینیم. با این حال روابط دو کشور آمریکا و جمهوری آذربایجان از اواخر سال ۲۰۱۵ دوباره بهبود یافت. (Blank, 2017, p.12)

۷) همکاری جمهوری آذربایجان با ناتو

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو دیگر بازیگر حاضر در منطقه‌ی قفقاز جنوبی است که جمهوری اسلامی ایران به دلیل عضویت ایالات متحده در این سازمان و جنبه‌ی نظامی بودن آن هرگز تمایلی به حضور این اتحادیه در نزدیکی مرزهایش را ندارد. پس از استقلال کشورهای قفقاز جنوبی، این کشورها به خصوص گرجستان و آذربایجان برای تضمین استقلالشان و از ترس قدرت گرفتن دوباره روسیه و دست‌اندازی دوباره به این سرزمین‌ها تصمیم گرفتند که باب گفتگو و همکاری با ناتو برای ملحق شدن به این سازمان را آغاز کنند. در واقع ائتلاف با ناتو و اتحادیه اروپا هدف کلیدی استراتژی سیاست خارجی جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان است و حکومت‌های آذربایجان و گرجستان از رشد منافع اتحادیه اروپایی آتلانتیک در منطقه قفقاز جنوبی استقبال می‌کنند و نقش اتحادیه اروپا را برای تقابل با درگیری‌ها و بحران‌ها در منطقه را پذیرفته‌اند. جمهوری اسلامی ایران از یک

طرف از نا امن شدن مرزهایش به وسیله‌ی ناتو که سرکرده‌ی آن بزرگترین دشمنش (آمریکا) می‌باشد، نگران است و از طرف دیگر می‌داند که با حضور دسته‌های نظامی ناتو، بر قدرت ترکیه در منطقه افزون خواهد شد و موازنه‌ی قدرت فعلی در منطقه به خطر خواهد افتاد.

۸) اتهامات جاسوسی ایران و آذربایجان به یکدیگر

یک عامل بسیار مهم در اختلاف و درگیری بین ایران و آذربایجان، اتهامات جاسوسی علیه یکدیگر است. در اوایل سال ۲۰۱۲ اقدامی برای حمله‌ی تروریستی به سفارتخانه اسرائیل در باکو و علیه چندین نماینده جامعه‌ی یهودی صورت گرفت. در این رابطه مقامات آذربایجان بلافاصله سرویس جاسوسی ایران را متهم کردند که مغز متفکر، سرمایه‌گذار و طراح این حمله بوده است. تنها دو ماه بعد وزیر امنیت ملی آذربایجان اعلام کرد که ۲۲ شخص متهم به خیانت و جاسوسی برای حکومت جمهوری اسلامی ایران را بازداشت کرده است. در فوریه ۲۰۱۵ دو شخص به اتهام جاسوسی برای جمهوری اسلامی ایران محکوم به ۲۷ سال حبس به وسیله‌ی دادگاهی در آذربایجان شدند. این دو نفر متهم به گرفتن عکس، فیلم و جمع آوری اطلاعات سری از تعدادی مؤسسات نظامی، همچنین کنسولگری ترکیه و فروش آن‌ها به حکومت ایران شدند. (Kraus & Suleimanov, 2016, p. 11) از طرف دیگر سرویس جاسوسی آذربایجان متهم به فعالیت در جمهوری اسلامی ایران است. ایران معتقد است که آذربایجان اقدامات زیادی در استان‌های آذری زبان ایران برای استخدام جاسوسان برای سرویس جاسوسی آذربایجان انجام می‌دهد. بر اساس سند سری انتشار شده به وسیله‌ی مؤسسه ویکی لیکس در آوریل ۲۰۱۱، سرزمین آذربایجان به مدت چهار سال مورد استفاده اسرائیل برای جاسوسی در ایران قرار گرفت.

۹) موضع ایران در قبال بحران قره‌باغ

رئیس جمهور وقت آذربایجان الهام علی‌اف اعلام کرده بود که روابطش با همسایگان و دیگر کشورها به میزان زیادی بستگی به موضع این کشورها در

قبال بحران قره باغ دارد. (Nichol, 2013, p. 7) از این رو موضع ایران در قبال این بحران همیشه بر روابط سیاسی دو کشور تأثیر گذار بوده است. در واقع جمهوری آذربایجان انتظار داشته و دارد که جمهوری اسلامی ایران همانند ترکیه طرف این کشور را در جنگ و بحران با ارمنستان بگیرد. اما جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ موضع بی طرفانه در این بحران باعث ناامیدی و نارضایتی آذربایجان شده است. (Brenda, 2017, p. 9) آراز عزیموف معاون وزیر امور خارجه سابق آذربایجان اعلام کرده بود که به سبب حمایت ایران از ارمنستان در طول بحران قره باغ ما به ایرانیان اعتماد نداریم. همچنین او در مصاحبه‌ای با روزنامه هوریت دیل در اکتبر ۲۰۱۲ اعلام داشته بود که اگر ارمنستان در مذاکرات بر روی قره باغ سرسخت است به دلیل آن است که ایران و همچنین روسیه از این کشور حمایت می‌کنند. با این حال محسن رضایی از فرماندهان ایران در یک مصاحبه‌ای با شبکه‌ی آذری زبان سحر در ۲۷ فوریه ۲۰۱۳ اعلام کرد که شمار زیادی از جمعیت ایران در جنگ قره باغ شرکت کردند و با جراحت و آسیب دیدگی به ایران بازگشتند، شمار زیادی از ایرانیان نیز شهید شدند و همچنین بعضی از آن‌ها در باکو دفن شدند. به علاوه در همین راستا تجهیزات نظامی به آذربایجان فرستاده شده و آموزش جنگ پارتیزانی از سوی جمهوری اسلامی ایران به آن‌ها داده شده است. در ماه می ۲۰۱۵ سفیر ایران، در ویکی لیکس که سازمانی غیرانتفاعی و بین المللی است و به ارسال و افشای اسناد از سوی منابع ناشناس می‌پردازد؛ در آذربایجان اعلام کرد که ایران جمهوری خودخوانده ناگورنو قره باغ را شناسایی نخواهد کرد. همچنین وی اعلام کرد که ایران انتخابات برگزار شده در این سرزمین را شناسایی نخواهد کرد. (Davoodi, 2016, p. 15)

۱۰ تلاش عربستان برای نفوذ در جمهوری آذربایجان

در سال ۲۰۱۷ در حالی که عربستان سعودی، ایران را متهم به محاصره خود از طریق حمایت از شورشیان در یمن و همچنین حمایت از قطر می‌کند، خاندان آل سعود و جمهوری اسلامی ایران رقابت تلخ خود را فراتر از

خاورمیانه و به قفقاز می‌برند. در فضای رسانه‌ای العربیه که به نظر می‌آید به جای بیان حقایق توسط حامیان اغلب فرقه‌گرای حکومت سعودی و سیاست‌های ضدایرانی اشغال شده؛ خانم الحسینی مدعی می‌شود که حضور الهام علی‌اف در فستیوال فرهنگی در عربستان به دعوت ملک سلمان در همین سال بخشی از تلاش‌ها برای مقابله با دست‌اندازی‌های ایران بوده است. رسانه‌های آذربایجان نیز در همین زمینه گزارش می‌دادند که هیأت‌های نظامی آذربایجان و عربستان سعودی بر سر همکاری‌های نزدیک‌تر نظامی با یکدیگر، از جمله برگزاری رزمایش مشترک نظامی و برخی منافع مشترک دیگر مذاکره کرده‌اند. (Diplomacy, March 6, 2017) از همین رو وزیر دفاع جمهوری آذربایجان و هیأتی به نیابت از وزارت دفاع عربستان سعودی در سال ۲۰۱۷ در باکو به دیدار و گفت‌وگو پرداختند. دو کشور در زمینه توسعه روابط بین باکو و ریاض در تمامی زمینه‌ها به ویژه نظامی و فنی صحبت کردند. (Fars, March 8, 2017) روابط ریاض و باکو در حالی در مسیر توسعه قرار گرفته بود که برخی تحلیل‌گران منطقه‌ای بر این باور بودند که عربستان و رژیم صهیونیستی بدلیل همجواری جمهوری آذربایجان در نزدیکی مرزهای ایران، همکاری‌های دفاعی و امنیتی با باکو را به شدت خواستارند. باکو نیز به دلیل درگیری با جمهوری ارمنستان از هرگونه همکاری دفاعی با دیگران از جمله عربستان و رژیم اسرائیل استقبال می‌کرد.

۱۱) موضع جمهوری آذربایجان در قبال برنامه هسته‌ای ایران

بنابر نظریه واقع‌گرایی تدافعی سطحی از همکاری‌های بین دولت‌ها قابل تصدیق است و نمی‌توان گفت که سود یک دولت در عرصه بین‌الملل حتماً زیان دولت دیگر را در پی دارد. در واقع با وجود اختلافات بین ایران و آذربایجان در طول بیش از دو دهه گذشته، برخی اقدامات و مواضع دو کشور باعث بهبودی در روابط همه‌جانبه و آغاز دوره‌ای جدید در روابط سیاسی دو کشور شده است. به عنوان مثال در حالی که اکثر کشورها به اقدامات هسته‌ای ایران بدبین بودند و این کشور را به دلیل فشارهای اتحادیه اروپا و آمریکا

طرد کردند، اما حکومت آذربایجان موضع مثبتی را در مورد خواسته‌های هسته‌ای ایران اتخاذ کرد. باکو اعلام کرد باید راه حل دیپلماتیک برای حل و فصل این موضوع در نظر گرفته شود و تأکید کرد که ایران حق دارد برنامه صلح آمیز هسته‌ای خود را گسترش دهد. رئیس جمهور وقت آذربایجان الهام علی‌اف اعلام داشت که راه حل شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران می‌تواند خطرناک باشد. همچنین آذربایجان در رأی‌گیری سازمان بین‌المللی انرژی اتمی که در مورد اقدامات ضد ایران بود، شرکت نکرد. در واقع نماینده‌ی آذربایجان جلسه را زمانی که رأی‌گیری آغاز شد، ترک کرد؛ در عوض ایران نیز ویزا برای ورود مردم جمهوری آذربایجان به ایران را لغو نمود. (Goodarzi And Koolaei, 2015, p. 17) در سال ۲۰۱۷ نیز پس از مواضع ضد ایرانی ترامپ و تلاش آمریکا برای از سرگیری تحریم‌های دوباره علیه جمهوری اسلامی ایران؛ علی حسن‌اف، معاون سیاسی رئیس جمهور آذربایجان ضمن اشاره به برخی فشارهای سیاسی بر جمهوری آذربایجان اظهار داشت؛ فشارهای سیاسی وارد به جمهوری آذربایجان برای هم‌قطار شدن با تحریم‌های اعمال شده علیه ایران از طرف آمریکا تأثیرگذار نخواهد بود. (Anaj, January 22, 2018)

۱۲) روابط اقتصادی و تجاری ایران و جمهوری آذربایجان

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان تلاش کرده‌اند که با ایجاد روابط اقتصادی با یکدیگر بر قدرت خود در سطح نظام بین‌الملل بیافزایند. به طور خلاصه روابط اقتصادی ایران با آذربایجان بر روی نفت، گاز، برق، حقوق گمرکی، تجارت، ارتباطات، حمل و نقل و ساخت و ساز است. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اولیه استقلال جمهوری آذربایجان رتبه اول را در بین شرکای تجاری آذربایجان داشت و ترکیه و آمریکا در رتبه‌های بعد از ایران قرار داشتند. حجم روابط تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان در زمان ریاست جمهوری آیاز مطلب‌اف به سطح بی‌سابقه‌ای رسید و به ویزا برای سفرهای کوتاه مدت بین دو کشور نیازی نبود. در سال ۱۹۹۲ ارزش صادرات ایران به آذربایجان ۲۵ میلیون دلار و ارزش واردات ایران از آذربایجان ۱۹۳ میلیون دلار بود. بیش از



۸۰ درصد واردات ایران از آذربایجان، تولیدات نفتی بود. بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ عصر طلایی روابط بین دو کشور بود. اما از سال ۱۹۹۷ و با حذف ایران از کنسرسیوم نفتی و دیگر اقدامات خصومت آمیز آذربایجان، روابط بین دو کشور نیز سیر نزولی را طی کرد. طی این سال‌ها ایران جزء ۱۰ کشور اول شریک تجاری آذربایجان بود. در واقع روابط سیاسی تنش‌آمیز بین دو کشور در عرصه تجاری و اقتصادی نیز خود را نشان داد. برخی از دلایل رکود روابط تجاری ایران و آذربایجان در طول دو دهه گذشته عبارتند از:

۱. وجود تحریم‌های گسترده بین المللی علیه ایران و واگه برخی کشورها از ایجاد روابط با ایران.
۲. وجود اختلافات و تنش‌های سیاسی متعدد در طول دو دهه گذشته میان آذربایجان و ایران.
۳. اولویت دوم قرار گرفتن روابط تجاری با جمهوری آذربایجان نسبت به دیگر همسایگان مانند کشورهای خاورمیانه.
۴. ناتوانی تجار ایرانی برای حضور گسترده در بازارهای جمهوری آذربایجان و رقابت با کشورهایمانند ترکیه.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش مشاهده شد که جمهوری اسلامی ایران همیشه اختلاف‌ها و تنش‌های جدی مانند اختلاف بر سر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، اندیشه ایجاد آذربایجان بزرگ از طرف برخی نخبگان جمهوری آذربایجان، نفوذ اسرائیل و آمریکا در سیاست‌گذاری‌های آمریکا و تلاش آن‌ها برای فاصله انداختن بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، اختلافات ایدئولوژیک، اتهامات جاسوسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان علیه یکدیگر در قبال بحران قره باغ، همکاری آذربایجان با ناتو، مسیرهای انتقال منابع انرژی جمهوری آذربایجان و البته نادیده گرفتن ایران از شرکت در قرارداد قرن در بیش از دو

دهه اخیر با جمهوری آذربایجان را تجربه کرده که باعث شده همکاری دو کشور آن طور که باید، پیش نرود. بعضی همکاری‌ها و تفاهمات مانند موضع مثبت جمهوری آذربایجان نسبت به برنامه هسته‌ای ایران و تنها نگذاشتن ایران در دوره‌ی تحریم‌های جامعه بین‌المللی علیه ایران، حمایت ایران از تمامیت سرزمینی جمهوری آذربایجان و نشست‌ها و جلسه‌های متعدد در سال‌های اخیر، موجب شده که چشم انداز مثبتی که در طول این سال‌ها در روابط تجاری و انرژی بین دو کشور در جریان بوده و هیچ وقت متوقف نشده است؛ همچنان ادامه یابد. اما با این حال تنش‌های سیاسی بین دو طرف همیشه باعث نوسان در روابط تجاری و انرژی بین دو کشور فراهم نموده است که امید است با اتخاذ تدابیر بلندمدت در این رابطه، بهبود روابط سیاسی نیز قابل تصور باشد و به بهبود روابط تجاری و روابط حوزه انرژی کمک کند.

منابع

- Abbasi, Majid & Seyyed Mohammadreza Mousavi, (2013). "Relations between the Islamic Republic of Iran and the Republic of Azerbaijan, areas of convergence and areas of divergence", *Central Eurasian Studies Quarterly*, 7th volume, 2nd issue, pp. 61-80 [In Persian]
- Adri, Houman (2012). "Iran and the Caucasus states in the 21st century: a study of foreign policy goals and means." *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, Vol 14, No 3, pp. 383-396. [In Persian]
- Afzali, Rasoul & et al., (2014). "Explaining the relations between Iran and the Republic of Azerbaijan with a structuralist approach", *Central Eurasian Studies Quarterly*, 7th Volume, 2nd Issue, Autumn and Winter 2013, pp. 237-264 [In Persian]
- Amir Ahmadian, Bahram & et al., (2016). "Analysis of the relations between Iran and Armenia using the theoretical framework of defensive realism", *Central Eurasian Studies Quarterly*, 9th volume, 1st issue, pp. 19-41 [In Persian]
- Amir Ahmadian, Bahram, (2005). *Relations between Iran and the Republic of Azerbaijan*, Tehran, Political and International Studies Office. [In Persian]

- Atai, Farhad. (2009). "The Dynamics of Bilateral Relations in the South Caucasus: Iran and its North Neighbors." THE CHINA AND EURASIA FORUM QUARTERLY. Vol. 7. No. 3, pp. 1-14. [In Persian]
- Davoodi, Taghi. (2016). "Political and Cultural Relations between Iran & Azerbaijan: A Review." International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJHCS) ISSN 2356-5926, Vol 1. No 1, pp. 1997-2004. [In Persian]
- Goksel, Oğuzhan. (2015). "Beyond Countering Iran: A Political Economy of Azerbaijan-Israel Relations." British Journal of Middle Eastern Studies, Vol 42. No 4, pp. 655-675.
- Javadi Arjmand, Mohammad Jaafar & et al., (2013). "Investigating the causes of cold relations between Iran and the Republic of Azerbaijan", Central Eurasian Studies Quarterly, 7th volume, 1st issue, pp. 57-80 [In Persian]
- Kadkhodazadeh Reza & Hamidreza Azizi, (2020). "The effect of Pan-Turkist policies on the relations between the Republic of Azerbaijan and Iran", Scientific Quarterly of World Politics, Volume 9, Issue 2, Summer 2019, Series 32, pp. 117-146 [In Persian]
- Koolaei, Elaheh & Hafezian, Mohammad Hossein. (2010). The Islamic Republic of Iran and the South Caucasus Republics. Iranian Studies, Vol 43, Number 3, pp1-19. [In Persian]
- Koolaei, Elaheh & Mahnaz Goodarzi. (2015). "Turkey-Armenia Rapprochement and its Impact on Iran-Armenia Relations." Hemispheres, Vol 30. No 2, pp. 57-76. [In Persian]
- Koolaei, Elaheh and Hafezian, Mohammad Hossein. (2010). The Islamic Republic of Iran and the South Caucasus Republics. Near Eastern Studies, pp. 448-465. [In Persian]
- Moniquet, Claude, and William Racimora. (2013). "The Armenia-Iran Relationship: Strategic Implication for Security in the South Caucasus Region." European Strategic Intelligence & Security Center, Vol 17. No 2, pp. 43-65.
- Moshirzadeh, Homeyra, (2012). Evolution in International Relations Theories, 8th edition, Tehran, Publications of Organization of Studies and Compilation of University Humanities Books, Samt Publication [In Persian]
- Najafov, Hussein. (2008). "Iran and the Southern Caucasus." Central Asia and the Caucasus, Vol 1, No 1, pp. 47-58. [In Persian]
- Nichol, Jim. "Azerbaijan: Recent Developments and US Interests. (2013)." Current Politics and Economics of Russia, Eastern and Central Europe, Vol 28. No 2, pp. 199-212.

- Raus, Josef, & Emil Suleimanov. (2016). "A Failed Comeback? Understanding Iranian Policies in the South Caucasus." *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, Vol 18, No 5, pp 447-464.
- Sharashendize, Tornike. (2011). "The Role of Iran in the South Caucasus." *Caucasus Analytical Digest*, Vol 30, No 2, pp. 2-5.